

سهم شهر اله آباد در تحول زبان و ادب فارسی

دکتر اختر مهدی

دانشگاه جواهر لعل نهرو، دهلی نو

زبان فارسی تا قرن‌ها زبان رسمی و فرهنگی هند بوده و از آن بعنوان زبان تعلیم در طبقات دانشور استفاده می‌شده. خدمات ادب و شعرای فارسی‌نویس هند را نه تنها محققین خارجی بلکه اهل زبان ایران هم اعتراف کرده و به آنها بدیده احترام و توفیر نگریسته‌اند. در اینجا اگر یادآوری کنیم که صائب تبریزی برای غنی کشمیری چقدر احترام قایل بود، بی‌محل نخواهد بود. می‌گویند که وقتی یک نفر سیاح یا مسافر هندی به ایران برای ملاقات میرزا صائب می‌رفت. میرزا از وی می‌پرسد که برای ما چه سوغات از هند آورده‌ای؟ و مقصودش از شعر تازه «غنی کشمیری» بود و همینطور معروف است که شاه عباس بزرگ می‌گفت که من چندانکه از فلم بوالفضل می‌ترسم از شمشیر اکبر نمی‌ترسم. این روایتها دلالت می‌کند که ادبیا و شعرای فارسی‌نویس هند نزد ایرانیان از چه احترامی برخوردار بوده‌اند. اکنون که کشور ما (هند) به استقلال نائل آمده و روابط فرهنگی هند و ایران تجدید شده است، می‌خواهیم که ادبیات فارسی را که در اواخر عهد مغولها در هند بوجود آمده، ولی در نتیجه استیلای انگلیس مورد غفلت قرار گرفته، به فارسی زبانان و خاورشناسان بشناسانیم. پر واضح است که این کاری دامنه‌دار است و اگرچه دانشمندان کشور راجع به تاثیر ایران در ادبیات هندی از جوانب مختلف کارهای ارزشمندی کرده‌اند و تاکنون نیز دنباله کار ادامه دارد، ولی باوجود دائرشدن مراکزی بعنوان مؤسسه برای پژوهش در ادبیات فارسی هند هنوز

کار زیادی صورت نگرفته است. گذشته از مراکز بزرگ ادبیات فارسی در هند مانند دهلی، لاهور و آگرا مراکز کوچکتری هم وجود داشته‌اند که در این روزگار، عصر احیای ادبیات فارسی هند، توجه ما را جلب می‌کند. زیرا در همین مراکز کوچک است که حلقه‌های گم‌شده تاریخ ادبیات ما بدست می‌آید که بدون آنها ارزش‌یابی ادبیات ما از دیدگاه سخن سنجی نو امکان ندارد. در بین این مراکز، مرکز کوچک اله‌آباد مخصوصاً مورد غفلت بوده است و این امر خیلی غریب بنظر می‌رسد زیرا در عهد مغولها یا بسیار پیشتر از آن، وقتی که اله‌آباد رسماً بر وجود نیامده بود، در نواحی اله‌آباد مراکز وجود داشت که از لحاظ ادبی و فرهنگی دارای اهمیت عظیمی بود و پس از بوجود آمدن شهر اله‌آباد اهمیت این مراکز همسایه باین شهر منتقل شده در یکجا قرار گرفت.

اله‌آباد که در محل اتصال رودخانه‌های مقدس گنگ و جمن قرار دارد در دره‌های ودا هم دارای اهمیت فراوان بوده است. اگرچه در آن روزگار نامش اله‌آباد نبوده بلکه پریاگ بمنی لغوی اش سانسکریت قربان‌گاه می‌باشد. اله‌آباد از دیرباز یک مرکز فرهنگی بشمار می‌رفته زیرا مرتاضهای هندو که در آنجا زندگی می‌کردند علاوه بر تفکر و مراقبه نفس و کسب معارف صوفیانه به تعلیم و تعلم هم اشتغال داشتند و بعد از فتوحات مسلمانان مبلغین اسلامی و صوفیه در اینجا نوطن گزیدند و همراه با تعلیم و تدریس به کار تبلیغ دین نیز دست‌زدند.

آقای ویلیام بیبل در مفتاح التواریخ نوشته که اکبر قلعه‌ای بنا کرد و شهری را که در این‌جا وجود داشته اله‌آباد نامید که در عهد شاه‌جهان بنام اله‌آباد نهرت یافت. بهرحال این شهر از روزگار قدیم دارای اهمیت فرهنگی، مذهبی و تعلیمی بوده است. برای اثبات این نظر عین نوشته پرفسور یو. ان. رای ذیلاً عرض می‌شود:

"Although it failed to grow into a city, it came to be known as king of Tirthas and occupied a prominent place in the cultural life of Indian people." (1)

اهمیت این شهر مقدس بعنوان یک مرکز تعلیمی از آنرو بیشتر است که اقامت‌گاه و آموزش‌گاه پیر معروف باردواج بود و آموزش‌گماش از محله ایکه امروز به اسم باردواج آشرام شهرت دارد تا خیابان صفر (zero) کنونی امتداد داشت. کلبه‌های مرتاضانی که در اینجا اقامت داشتند نیز تا خیابان نامبرده امتداد داشته اگرچه از روی مہابہاراتا یقین این امور کاریست دشوار زیرا مہابہاراتا را در اعصار مختلف نوشته‌اند و بان پیوسته اضافاتی کرده‌اند و آن را تالیف فرد واحد بحساب نمی‌توان آورد ولی بہرحال چنین بنظر می‌رسد کہ زمان باردواج قبل از حضرت مسیح (ع) است. از طرفی اقامت‌گاه صوفیہ بزرگ ہندو مذهب باردواج پریاگ بوده است و این موضوع خود دلیلی است بر وجود این شهر در آن زمان.

از لحاظ مذہبی این شهر در قرون متبادی از اهمیت خاصی برخوردار بوده است و ہمین جهت بود کہ علما و فضلاء عصر از جاہای دیگر مہاجرت کرده این شهر را اقامت‌گاه خود قرار دادند و با تبحر علمی خود بہ توسعہ علوم و فنون قدیم و جدید و گسترش زبان فارسی در این سرزمین پرداختند. پس از حملہ محمود غزنوی تاثیر فرهنگی و تمدنی مسلمانان در فرهنگ تمدن شمال ہند بہسرعت رونما شد. در دورہ حکومت التتمش شهر الہ آباد مہد علوم اسلامی شد. سید قطب‌الدین الحسنی نخستین شخصیتی است کہ در این منطقہ بعنوان برجستہ‌ترین عالم علوم اسلامی خودنمایی می‌کند. او در ۱۱۸۵ میلادی در غزنی پا بر عرصہ وجود گذاشت. تذکرہ نگاران اظہار عقیدہ کرده‌اند کہ سید قطب‌الدین الحسنی برای تبلیغ و اشاعت دین اسلام بہ کشور ہندوستان تشریف آورد چرا کہ زمینہ تبلیغ در این کشور تازه فتح شدہ مساعد بود. در تمام تذکرہ‌های ادبی ہندوستان شرح

زندگانش مفصلاً یافت می‌شود. صاحب تذکره علمای هند او را عالم متبحر شمرده است و تذکره نگاران او را صاحب تصانیف هم دانسته‌اند ولی متأسفانه ظاهراً تمامی تالیفاتش از بین رفته‌اند.

در دوره خلجی شهر اله‌آباد از اهمیت فرهنگی زیادی برخوردار بود و همان‌گونه که شیخ علاء‌الحق پندوی موجب اسلام آوردن عده زیادی در بنگال بود، مجذوب شاه کرک هم سهم زیادی در اشاعه فرهنگ اسلامی در این شهر دارد. ری بزبان فارسی شعر می‌سرود. ویلیام بیل می‌گوید که شاه مجذوب در شعر زیر قتل جلال‌الدین خلجی را پیشگویی کرده بود:

هر که بیاید بر سر جنگ تن در کشتی سر در گنگ

از جمله تصانیف منشور، ملفوظات شاه کرک دارای اهمیت زیادی است. در فن شعر گوئی رباعیاتش از مقبولیت خاصی برخوردار بود. رباعی زیر راجع به قناعت و اهمیت منطقه کره است:

قانع شده‌ام بخشک نانی و تره میلیم نبود بسوی بریان و بره

دهلی و سمرقند و بخارا و عراق این چار ترا باد و مرا باد کره

شاه وجیه‌الدین صاحب تذکره بحر ذخار شعر زیر را بعنوان نمونه کلام شاه کرک آورده است:

اندر طلب درست چو مردانه شدم اول قدم آن بود که بیگانه شدم

گذشته از شاه کرک شاه جلال‌الدین مانکپوری و شاه حسام‌الدین مانکپوری هم در جهان علم و ادب شهرت و مقبولیت خاصی بدست آورده بودند و ملفوظات شاه حسام‌الدین از یادگارهای برجسته زبان فارسی بشمار می‌رود.

بعد از پایان دولت خلجیان کشور هندوستان زیر حکومت سلاطین تغلق آمد. در این عهد قریهٔ جهوسی در شهر اله‌آباد از اهمیت فراوانی برخوردار بود و شاه تقی مخدوم و شاه معین‌الحق برای پیشرفت زبان ادبیات فارسی کارهای

برجستای انجام دادند. شاه تقی مخدوم نه فقط بعنوان مبلغ اسلام بلکه بعنوان یک شاعر بزرگ فارسی هم شهرت زیادی داشت و افکار صوفیانه خودش را بقالب رباعی می‌نویسد. او شاعری بود صاحب دیوان ولی مجموعه اشعارش تاکنون کشف نشده است البته در تذکره‌ها نمونه‌های رباعیاتش وجود دارد که بدینقرار است:

رخت هستی بر سر دیوار می‌بسیار می‌باید کشید

عمر اندک است و می‌بسیار می‌باید کشید

قطره اشکم اگر شد بر در مژگان گره

خوب شد، غماز را بر دار می‌باید کشید

از لحاظ مجموعی اله‌آباد در عهد تغلق‌ها یک مرکز مهمی اسلامی و ادبیات فارسی بشمار می‌رفته است. در این دوره از جنبش‌های سیاسی و نهضت‌های دیگر اثری مشهود نیست و تا انتهای عهد سلاطین دهلی این شهر اهمیت ادبی خود را نگاه داشته است.

دوره حکومت سلاطین دهلی تا سال ۹۳۱ هجری مصادف با ۱۵۲۵ میلادی بوده است و در همین سال بدست بابر بنیانگذار سلسله مغول در هند حکومت ابراهیم لودی خاتمه یافت و حکومت گورکانیان بوجود آمد. در ابتدای عهد مغول از موقعیت سابق ادبی و سیاسی اله‌آباد چیزی باقی‌مانده بود و در این زمان این شهر از جهان تاریخ منفصل شده و در گمنامی بسر می‌برد. ولی باوجود گمنامی این شهر سنن مذهبی و تقدس قدیمی خود را در این عهد محفوظ نگاه داشته. بابر این بابر در تزک خود جای مقدس پریاگ نام را متذکر شده است. باز هم از تاریخ ادبی و سیاسی این شهر تا سال ۱۵۷۳ میلادی هیچ اثری بدست نمی‌آید.

اکبر شاه که به کوشش و صلاحیت غیر عادی خود حکومتش را استحکام و دوام بخشید، اهمیت سیاسی این شهر را در نظر گرفته با تأسیس قلعه اله‌آباد و جونپور کره و مانکپور را به صورت یک واحد جغرافیایی درآورد و یک شهر بزرگ

را بنیاد نهاد. ابرالفعل بر تاسیس قلمه پرتو انداخته چنین رقمطراز است:

«به ساعت خجسته اساس شهر اله‌آباد نهادند.» (۲)

شهر اله‌آباد از سال ۱۵۹۹ تا ۱۶۰۵ میلادی مرکز دگرگونیه‌های سیاسی متعددی بود. از میان این دگرگونیه‌ها قیام جهانگیر اهمیت خاصی دارد که نتیجه‌اش قتل دانشمندی مانند ابرالفعل علّامی بود. با وجود این اغتشاشان سیاسی، شاه ابرالمعالی اله‌آبادی و قاضی یعقوب مانکپوری به فعالیت‌های ادبی و فرهنگی مشغول بودند ولی متأسفانه از آثار ادبی ایشان اکنون چیزی در دست نیست.

در عهد جهانگیر اثری از شخصیت علمی دیده نمی‌شود و علت این کساد بازاری علم را فعالیت‌های سیاسی میتوان قرار داد. واضح است که مقصود اینجانب از شخصیت علمی، شخصیتی است که ذکرش در تذکره‌ها و کتابهای تاریخ آن روزگار بعنوان خدمتگذار علم و ادب آمده باشد.

پس از جهانگیر تخت و تاج هند بعد از جنگ‌های خانگی نصیب شاه جهان می‌شود. شاه‌جهان برای بدست آوردن حکومت دچار اغتشاشاتی شد که در آنها اله‌آباد یک نقش مؤثری را بازی می‌کند که ذکر آن در کتب تاریخی به اجمال و در خلاصه التواریخ و مفتاح التواریخ به تفصیل یافت می‌شود. با وجود این همه هنگامه و اغتشاشات دوره حکومت شاه‌جهان بنام دوره طلایی سلطنت مغول یاد می‌شود. بنظر نویسنده خواه برای تمام کشور عهد شاه‌جهانی دوره طلایی برده‌باشد یا نه ولی برای ایالت اله‌آباد دور حکومتش از روی حقیقت دوره‌ای طلایی برده است، زیرا که در عهد وی از سراسر هند و حتی بیرون از هند علما و فضلا مهاجرت کرده اله‌آباد را مرکز توجه خود قرار دادند. مهم‌ترین سبب علم‌درستی و ادب پروری شاه‌جهان و علما پروری ولیمهد داراشکوه را می‌توان گفت. چون داراشکوه خود یک دانشمند زبردست بود لذا حمایت از دانشمندان را شیوه

سهم شهر اله آباد در تحول زبان و ادب فارسی

مختصری خود قرار داد. بهرحال عهد شاهجهان چنین شخصیت‌های علمی را در این ایالت بوجود آورد که بر آنها نه فقط اله آباد بلکه سراسر دنیای اسلام می‌نازد.

در عهد شاهجهان در زندگانی فرهنگی شهر اله آباد نقطه عطفی بوجود آمد و تصوف در این شهر رونق و رواج پیدا کرد. علت اساسی این امر این بود که داراشکوه فرزند ارشد شاهجهان که تا اندازه زیادی در حکومت شاهجهان دخالت داشت و به «ویدانت» و تصوف خیلی علاقه‌مند بود، در زمان ولیعهدی داراشکوه، شاه محب‌الله به اله آباد تشریف آورد و به موقعیت ادبی اله آباد اضافه نموده باعث شهرت این شهر بعنوان یک مرکز مهم اسلامی گردید. علت شهرت شیخ محب‌الله شرح وی بر فصوص‌الحکم شیخ ابن عربی است بلکه اگر گفته شود شاه محب‌الله در بسط و اشاعه سلک وحدت‌الوجود در هند و آگاه ساختن مردم از آن مسلک خدمات شایانی انجام داده است، مبالغه نخواهد بود. او شرح این کتاب را بهر دو زبان عربی و فارسی نوشته است. از تالیفات دیگر وی که بزبان فارسی نوشته شده: مناظر اخمص‌الخواص، هفت احکام، عبادت‌الخواص، غایت‌الغایات، سرالخواص، طرق‌الخواص، تفسیر قرآن کریم و رساله التوسیه را می‌توان نام برد.

شخصیت برجسته دیگری که در دوران حکومت اورنگزیب وارد شهر اله آباد شد، شاه محمد افضل بود که بموجب فرمان مرشد و پیر روشن ضمیر خودش میر سید محمد کالپوی به اله آباد آمد. او ولی کامل روزگار خود و قطب وقت بشمار می‌رفت و شاید بهمین سبب بود که در زمان خودش شهرت زیادی بدست آورد. اورنگزیب و فرخ‌سیر و پادشاهان دیگر دهلی با وی ارتباط قلبی داشتند. ویلیام بیل صاحب مفتاح التواریخ میر غلام علی آزاد بلگرامی در تذکره سرو آزاد و شاه وجیه‌الدین در تذکره بحر ذخار و نظامی بدایونی در قاموس المشاهیر شاه محمد افضل را صاحب تصانیف کثیره قلمداد کرده‌اند. شرح گلستان و بوستان، شرح یوسف و زلیخا، شرح فصوص علی وفق النصوص، رساله فارسی و عربی در

بحث ایمان لرعون، شرح قصاید خاقانی، شرح هر شش دفتر منوی مولوی و کتاب کشف‌الاستار مهم‌ترین آثار ادبی شاه محمد افضل بزبان فارسی می‌باشند. وی بفارسی شعر هم سروده و از وی دیوانی بجای مانده که قسمت اعظم آن را غزلیات تشکیل می‌دهد. غزل زیر نمونه‌ای از غزلهای دیوان شاه افضل می‌باشد:

روزها شد که بـویم گزری نیست ترا

جز تـفافل مگر ای جان هنری نیست ترا

کلیبۀ من شده از خون در دیده باغی

از چه رو جانب این باغ سری نیست ترا

خالی از عشق تو کس نیست بگو باعث چیست

که چنین جور نجفا با دگری نیست ترا

سوختم ز آتش مهر رغبت ای ماه ولی

هرگز از سوزش جانم اثری نیست ترا

پس از شاه افضل برادرزاده‌اش شاه خوب‌الله اله‌آبادی خدمت علم و ادب را بعهده گرفت. تذکره و فیات‌الاعلام و مکتوبات دو اثر گرانقدر ادب فارسی محسوب می‌شود. گذشته از این آثار منظوم، او کلیات فارسی هم بیادنگار گذاشته است. قسمت زیادی از کلیاتش بر غزل و رباعیات مشتمل است. نمونه از غزلیاتش را در زیر ملاحظه فرمائید:

بتو خواب خوش مبارک به بساط ناز کردن

همه شب نیامدی و من و ناله ساز کردن

دل من رسیده چندان ز تفافل تو ظالم

شود ار در تو قبله نتوان نماز کردن

بگویم نام من دیوانہ تو اگر پرسی ترا باری چه نام است
 بمحراب در ایرو سجده آریم که چشم مست او ما را امام است
 بیاور می که با کی نیست ما را اگر عید است و نگر ماه هیام است
 گرفتارم به سوی آن دلارام که این قید از جهانم بس تمام است
 اگر چه هست آزار از دو عالم تو را ای دلربا یحیی غلام است
 بعد از شاه غلام خوب الله پسر ارشدش شاه محمد طاهر در خدمت به زبان و
 ادب فارسی مقامی ارجمند حاصل نمود. او صاحب تصانیف کثیره بود.
 تحقیق الحق و شرح فصوص الحکم و شروح قصاید فارسی برجسته ترین آثار ادبی
 شاه محمد طاهر بشمار می رود. وی بزبان فارسی شعر هم می سروده و اشعار زیر بر
 شاعر بودن او تأیید می کند:

عشق یوسف کرد در پیری زلیخا را جوان

عشق رویت پیر کرد اندر جوانی ها مرا

شد زبانم بند تا دل محو شد در یاد دوست

بهتر است از صد زبان این بی زبانی ها مرا

مگو با یار حرف نا ملایم رگ گل طاقت نشتر ندارد

این باد دلفریب که در کوی دلجو است

یاد از نسیم گلشن فردوس میدهد

علاوه بر شخصیهایی که در بالا شرح شان رفت، چهره های مشهور دیگری
 مانند شاه محمد فاخر زائر، شاه محمد ناصر الفضلی، شاه غلام قطب الدین مصیب،
 شاه غلام خوب الله نجفی، شاه محمد اجمل، شاه ابوالمعالی و شاه میرنجان سید
 نیز در گسترش زبان و ادب فارسی سهم بسزای داشته اند که چون شرح احوال و

خدمات آنان از حوصله این مقاله خارج است به مقالات دیگری در آینده موقوف خواهد شد.

مناسفانه با وجود خدمات شایانی که شهر اله‌آباد به زبان و ادب فارسی کرده اکنون دیگر جایگاه رفیع خود را در این زمینه از دست داده است و شاید هیچ‌گاه این مقام از دست‌رفته را باز نیابد. اما بلاشک کشف گنجینه‌های ادب فارسی این دیار که مستلزم تحقیقات وسیع و دانددار است وظیفه‌ای است که باید به آن اهمیت داد تا ذخیره‌های ادبی هندوستان حفظ و بجهان فارسی معرفی شود.

پاورقیها:

۱- Prayag in the Legend and History, P. 173.

۲- اکبر نامه، جلد سوم، ص ۳۱۲.

شده‌اشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی